

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۱۱ تا ۱۴۰

مطالعه تطبیقی شرایط و فرایندهای انتخاب و انتصاب قضات

در نظام‌های حقوقی ایالت متحده آمریکا و فرانسه

ولی‌الله حیدرنزاد*

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)

سید محمد مهدی غمامی

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

(Email: mmghamamy@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵)

چکیده

از مهم‌ترین عواملی که استقلال قوه قضائیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شیوه جذب و به‌کارگیری قضات است. شیوه‌های گزینش قضات بسیار متنوع است و قوانین اساسی و عادی کشورها در این خصوص راه‌های مختلف و روش‌های تلفیقی گوناگونی اندیشیده‌اند. مسیر شغلی قضاوت در نظام‌های حقوقی نوشته و کاملاً بسیار متفاوت است و فهم این تفاوت‌ها به کشف اصلاحات مورد نیاز برای حل مشکلات فساد قضایی کمک می‌کند. در نظام‌های حقوقی متأثر از سنت کامن‌لا، به‌طور معمول قضات از میان وکلای باتجربه انتخاب می‌شوند و منصب قضا نوعی پاداش تلقی می‌شود که شخص به دلیل پرداختن به عمل حقوقی در محاکم در جایگاه وکالت، آن‌هم برای مدت طولانی و پس از آبدیده شدن در بوته تجربه، صلاحیت برخورداری از آن را پیدا می‌کند. در نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی، قضات از میان دانش‌آموختگان دانشگاهی انتخاب می‌شوند. هدف از مطالعه تطبیقی حاضر، بررسی نظام انتخاب و انتصاب قضات در آمریکا به‌عنوان نماینده کشورهای دسته اول و جذب و گزینش قضات در فرانسه به‌عنوان نماد نظام حقوقی رومی-ژرمنی است که با مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. شیوه انتخاب قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده از مناقشه‌برانگیزترین و مهم‌ترین مباحث مربوط به استقلال قضایی در این کشور است. قضات فدرال و ایالتی از طریق روش‌های متفاوت انتخاب می‌شوند. در نظام فدرالی آمریکا به موجب قانون اساسی فدرال هر یک از ایالت‌ها قانون خاصی دارد که تشکیل قوای عمومی و شروط و شیوه‌های انتخاب قضات را موافق با فلسفه سیاسی پذیرفته‌شده قوای پیش‌گفته مشخص می‌کند، لذا طبیعی است که سازمان قضایی یک ایالت با ایالت دیگر متفاوت باشد. در فرانسه برخلاف آمریکا، قضات از میان دانش‌آموختگان مدارس عالی انتخاب می‌شوند؛ با این تفکیک که قضات دادگاه‌های عمومی از میان دانش‌آموختگان مدرسه ملی قضایی و قضات دادگاه‌های اداری عمدتاً از میان دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و بالاتر حقوق عمومی که در مدرسه ملی اداری آموزش دیده‌اند جذب می‌شوند و پس از آموزش‌های نظری در شورای دولتی فرانسه دوره کارآموزی خود را طی می‌کنند. شورای دولتی نیز استخدام خود را با یک نهاد بزرگ، یعنی دیوان محاسبات، تقسیم می‌نماید و نفرت برتر این آزمون که از سوی مدرسه ملی اداری برگزار می‌شود، جذب شورای دولتی خواهند شد.

واژگان کلیدی

استقلال قضایی، انتخاب و انتصاب قضات، نظام حقوقی ایالات متحده، نظام حقوقی فرانسه.

مقدمه

استقلال قاضی از جمله تضمین‌های مؤثر تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه است. استقلال قاضی به این معناست که قاضی در جایگاه دادرسی نسبت به موضوع مطرح‌شده با آزادی کامل و بر مبنای واقعیت‌ها و بر پایه موازین حقوقی و بدون هرگونه فشار، دخالت یا نفوذ نادرست از جانب هریک از بخش‌های حکومت یا نهادی دیگر رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. یکی از سازوکارهای تضمین استقلال قاضی، انتخاب قاضی به نحو شایسته است. وجود قضات متعهد و واجد شرایط امری اساسی برای تحقق استقلال قاضی است. قضاتی که واجد شرایط نباشند، شأن و منزلت و استقلال دستگاه قضایی را تنزل می‌دهند و آسیب‌پذیری بیشتری از تأثیرات خارجی دارند (Ginsburg, 2009, p. 1).

استقلال قضایی پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است. از این رو هر قاضی باید استقلال قضایی را از هر دو بعد شخصی و اصولی تحکیم کند و به ظهور برساند. از جمله معیارهای دستگاه قضایی مستقل، نحوه انتصاب قضات و وجود تضمین‌ها در برابر فشارهای بیرونی است که باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین قاضی باید فارغ از هرگونه نفوذ، انگیزش، فشار، تهدید یا مداخله بیرونی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از هر ناحیه و به هر دلیل، به وظیفه خود عمل کند. نسبت به نفوذ بیرونی نیز باید گفت که قاضی در اجرای قوانین نباید به این امر توجه داشته باشد که دو طرف دعوی مطرح‌شده در دادگاه، نزد عموم مردم، رسانه‌های گروهی، مقامات دولتی یا دوستان یا خانواده خود قاضی شناخته‌شده یا ناشناس‌اند. قاضی نباید تحت تأثیر منافع حزبی، جنجال‌های عمومی یا ترس از انتقاد به این سو و آن سو متمایل شود و باید رأی خود را بدون تأثیرپذیری صادر کند (شاه‌حیدری و همتی، ۱۳۸۹، ص ۵۷-۵۵).

یکی از راه‌حل‌های ریشه‌کن کردن فساد، بهبود ساختار حاکمیت قوه قضائیه است. در کشورهای فاسد بیشتر اوقات قضات در مقابل رئیس‌جمهور، وزارت دادگستری و سایر مقامات دولتی پاسخگو هستند و نفوذ بسیار این مقامات می‌تواند بر کیفیت خدمات تأثیر منفی بگذارد. شوراهای قضایی با برعهده گرفتن کار انتخاب و ارتقای قضات، می‌توانند استقلال قضایی را تقویت کنند. اگر بیشتر قضات به جای اینکه از سوی اشخاصی از قوای دیگر حکومت انتخاب شوند، از طرف همکاران خود گزینش شوند و اگر رویه‌های انتصاب شفاف و مبتنی بر معیارهایی باشد که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار نگرفته باشد، شوراهای قضایی می‌توانند انسجام رویه انتصاب قضایی را بهبود بخشند (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵، ص ۳۱). شهروندان قضات را به‌عنوان مظهر دستگاه قضایی در نظر می‌گیرند و از آنان انتظار دارند در عملکرد قضایی خود در سراسر دوره تصدی، به‌ویژه درباره این موضوعات مستقل و بی‌طرف باشند: استخدام و

انتصاب، آموزش، حقوق، اجرای وظایف و ارزیابی‌های شغلی. شورای مشورتی قضات اروپایی^۱ در نظریه شماره ۲۰۰۱ تأیید می‌کند: «استقلال قضات، امتیاز یا مزیتی به نفع آن‌ها نیست، بلکه به نفع حاکمیت قانون و به نفع افرادی است که در جستجوی عدالت هستند». در همان نظریه این شورا بیان می‌کند: «هر تصمیمی راجع به انتصاب قاضی یا دوره تصدی او، باید مبتنی بر ضوابط عینی بوده، از سوی یک مرجع مستقل اتخاذ شود یا تابع معیارهایی باشد که تضمین کند تنها بر مبنای ضوابط یادشده اتخاذ خواهد شد^۲» (کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت، ۱۳۹۵، ص ۱۹۹-۱۹۸).

در هر حال هرچه شیوه‌گزینش و انتخاب قاضی بیشتر بر شایستگی و قابلیت‌های فردی و نیز معیارهای عینی و سنجش‌پذیر استوار باشد، در عمل می‌توان قضاتی با استقلال رأی و اعتماد به نفس در نظام قضایی مشاهده کرد. برعکس چنانچه استخدام و گزینش قضات بر معیارهای نامتعارف و مبهم و روابط ناسالم و سیاسی، و نه بر پایه توانایی‌های علمی و تجربی استوار باشد، دایره استقلال به نفع توصیه‌پذیری و پیروی از مقام بالادست محدود خواهد شد (Guidance for promoting judicial independence, 2007, p. 7).

از همین رو انتخاب یا انتصاب قاضی باید مبتنی بر ضوابط عینی باشد و از سوی نهادی مستقل و بدون طرف‌داری سیاسی صورت گیرد. بنابراین فرایند انتخاب یا انتصاب باید منصفانه و بی‌طرفانه باشد. توافقی در مورد اینکه بهترین روش انتخاب قاضی کدام است، وجود ندارد. هریک از روش‌های انتخاب دارای مزایا و معایبی است که مطالعه آن‌ها را ضروری می‌سازد. کشورهای دارای نظام حقوق عرفی و کشورهای متأثر از نظام حقوق نوشته به‌طور سنتی دو روش متمایز را برای انتخاب قاضی اتخاذ کرده‌اند:

در کشورهای دسته اول، قضات معمولاً از بین حقوق‌دانان باتجربه و وکلای با سابقه انتخاب می‌شوند، اما کشورهای دارای حقوق نوشته به‌طور سنتی از نظام شغلی پیروی می‌کنند و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های حقوق از طریق ارزیابی مسائل ماهوی انتخاب می‌شوند (Guidance for promoting judicial independence, 2007, p. 2-3). فرایند حرفه‌سازی داوطلبان قضاوت در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا پیش از انتصاب آنان انجام می‌شود. این قضات درحقیقت همان شرایط و مسیر شغلی را دارند که وکلای باتجربه پشت سر گذاشته‌اند. بیشتر قضات حرفه‌ای انگلستان، کانادا و استرالیا دست‌کم ده سال تجربه عملی دارند. برنامه‌های کارآموزی قضات در نظام‌های کامن‌لا، بیشتر پیرامون کارگاه‌ها و سمینارهای بازآموزی است (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۴۹).

1. The consultative, council of European Judges (CCJE)

2. CCJE s' Opinion N.1 (2001) par.37.

در پژوهش حاضر با توجه به تبیین دو الگوی عمده انتخاب و انتصاب قضات، به مطالعه تطبیقی عملکرد نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا و فرانسه پرداخته شده است. در نظام حقوقی آمریکا که متأثر از سنت حقوقی کامن‌لا است، قضات عمدتاً از میان وکلای باتجربه انتخاب می‌شوند و در نظام حقوقی فرانسه به‌عنوان نماد سنت حقوقی رومی-ژرمنی، قضات از میان دانش‌آموختگان مدرسه ملی قضایی و مدرسه ملی اداری انتخاب می‌شوند که به شرح و تفصیل آن پرداخته خواهد شد.

به کارگیری قضات در ایالات متحده آمریکا

روش انتخاب قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا از مناقشه‌برانگیزترین و مهم‌ترین مباحث مربوط به استقلال قضایی در این کشور است، به‌نحوی که بیشتر مباحثات را به خود اختصاص داده است. قضات فدرال و ایالتی با روش‌های متفاوت انتخاب می‌شوند. در نظام فدرالی آمریکا، به موجب قانون اساسی فدرال هر یک از ایالات قانون خاصی دارد که تشکیل قوای عمومی و شروط و شیوه‌های انتخاب قضات را موافق با فلسفه سیاسی پذیرفته‌شده قوای پیش‌گفته مشخص می‌کند. لذا طبیعی است که سازمان قضایی یک ایالت با ایالت دیگر متفاوت باشد.

اساساً مطالعه حقوق آمریکا دشوار و پیچیده است و این دشواری دارای عللی چند است؛ از جمله اینکه در آمریکا یک حقوق وجود ندارد، بلکه هر ایالت دارای حقوق مستقلی است که دادگاه عالی ایالتی اجرای آن را کنترل می‌کند. از طرف دیگر دو ویژگی قضایی حقوق آمریکا و مبتنی بر رویه بودن حقوق آمریکا، آشنایی با آن را با چالش مواجه می‌سازد. سومین علت دشواری، اختلاط اصول قدیم و نظریات قدیم در آن است (تنک، ص ۱۳۵۸، ص ۹).

در کشورهای فدرال که دارای دو سازمان قضایی هستند، صلاحیت هر یک به موجب قانون تعیین شده است. این نکته دارای اهمیت است که در ایالات متحده، برخلاف فرانسه، یک سازمان قضایی متمایز مرکب از دادگاه‌های اداری وجود ندارد. شاید مهم‌ترین مبارزه‌ای که در جریان نیم قرن اخیر در ایالات متحده در صحنه قضایی روی داده، مبارزه میان دادگاه‌های دادگستری از یک سو و سازمان‌های اداری مستقل از سوی دیگر است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینست که نقش قاضی در ایالات متحده به‌وضوح مهم‌تر از نقش قاضی اروپایی است و این نکته‌ای است که هنگام مطالعه نظام قضایی آمریکا نباید از نظر دور داشت (اف استون، ۱۳۵۰، ص ۳۹-۳۸).

در ابتدا، سازمان قضایی فدرال^۱ مد نظر قرار داده می‌شود، زیرا سازمان‌های قضایی ایالات از حیث زمانی سابق بر سازمان قضایی حکومت ایالتی است و سازمان پیش‌گفته در موارد

1. Federal Judiciary

متعددی از آن تأثیر پذیرفته است. افزون بر این به موجب نص قانون اساسی، قضاوت فدرالی مظهر قوه قضائیه در ایالات متحده است. روش انتخاب قضات فدرال در قانون اساسی ایالات متحده پیش‌بینی شده است، اما با گذشت زمان رویه‌های دیگری نیز بر نحوه انتخاب قضات افزوده شده است.

۱. انتصاب قضات دادگاه‌های فدرال

در سطح فدرال نظام قضایی ایالت متحده آمریکا، دو نوع دادگاه فدرال وجود دارد؛ نوع اول مشهور به دادگاه‌های اصل ۳ می‌باشد که مرتبط با اصل ۳ قانون اساسی ایالات متحده است. این دادگاه‌ها عبارت‌اند از: دادگاه‌های ناحیه‌ای ایالات متحده، دادگاه‌های استیناف تجدیدنظر فدرال، دادگاه عالی ایالات متحده، دادگاه دعاوی ایالات متحده، دادگاه تجارت بین‌الملل ایالات متحده^۱. همه قضات ماده سوم دادگاه از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده با مشاوره و موافقت سنا منصوب می‌شوند. قضات این منصب را با شرط حسن رفتار برعهده می‌گیرند. در قانون اساسی این کشور نیاز نیست که قضات فدرال مدرک تحصیلی حقوق داشته باشند؛ اگرچه به‌عنوان موضوعی عملی در دوران مدرن به صورت حداقل الزام در نظر گرفته شده است^۲.

نوع دوم دادگاه فدرال آن‌هایی است که از سوی کنگره معین شده‌اند: دادگاه‌های دادرسی، دادگاه ورشکستگی، دادگاه استیناف نظامی، دادگاه مالیات ایالات متحده، دادگاه استیناف کهنه‌سربازان ایالات متحده که دادگاه‌های قانون‌گذار نامیده می‌شوند. همچنین قضات این دادگاه از سوی رئیس‌جمهور با مشاوره و موافقت سنا منصوب می‌شوند، اما این منصب را برای حدود ۱۵ سال در دست دارند (O'Connell & McCaffrey, 2012, p. 19-20).

ریاست دیوان عالی فدرال با معرفی رئیس‌جمهور و تأیید سنا انتخاب می‌شود. رئیس‌جمهور از میان ۹ عضو دیوان عالی فدرال با سابقه‌ترین عضو را به سمت ریاست دیوان بر می‌گزیند. این سمت مانند ۸ عضو دیگر سمتی مادام‌العمر بوده، فقط با اعلام جرم و استیضاح کنگره عزل‌شدنی است (ابوالفتح و نادری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۴).

وقتی یکی از ایالت‌ها قانونی وضع کند که متضمن ضرر و زیان باشد، افرادی که زیان دیده و مشمول چنین قوانینی بوده‌اند می‌توانند به محاکم فدرال مراجعه کنند. به این ترتیب می‌توان گفت قلمرو محاکم فدرال منحصر به اجرای قوانین نیست، بلکه مواردی را هم که قوانین ایالتی ناقض قوانین فدرالی شناخته شود دربر می‌گیرد (همان، ص ۳۰۹).

1. The Court of Claims and Court of International Trade are deemed 'special' courts because they are not courts of general jurisdiction.
2. American Constitution Society, 'Path to the Federal Bench', May 2011.

دیوان عالی کشور چه از نظر کیفیت حقوقی و اختیاراتی که دارد و چه از نظر محاکماتی که به آن محول می‌شود، مافوق همه محاکم است. دیوان عالی کشور دعاوی ناشی از قوانین و معاهدات را نیز برعهده دارد. رسیدگی به دعاوی مربوط به تجارت و امور بحری هم برعهده این دیوان است. به طور کلی رسیدگی به دعاوی مربوط به حقوق ملی اختصاصاً در صلاحیت دیوان است. تنها هدف دیوان عالی اجرای قوانین فدرالی است، اما رسیدگی به روابط افراد با یکدیگر به حاکمیت فدرالی واگذار شده است. ولی رسیدگی به اختلاف ایالت‌ها علیه یکدیگر با دیوان است و این بار سنگینی بر شانه قضات دیوان عالی است. مرجع رسیدگی تجاوزات قوه مقننه به قوه مجریه و برعکس نیز دیوان عالی است و این امر به قضات دیوان عالی قدرت عظیمی می‌بخشد (توکویل، ۱۳۷۴، ص ۳۱۹-۳۱۶).

ماده ۲ بخش ۲ قانون اساسی ایالات متحده به رئیس‌جمهور اختیار انتصاب قضات به دیوان عالی را می‌دهد: رئیس‌جمهور با مشورت و موافقت سنا به شرطی که موافقت سناتورهای فعلی را داشته باشد، سفیران، وزیران عمومی و مشاوران، قضات دیوان عالی و دیگر مقامات ایالات متحده را منصوب می‌کند؛ اما ممکن است کنگره انتصاب مقامات پایین‌رتبه‌ای را طبق قانون به شخص رئیس‌جمهور، محاکم قضایی یا رئیس بخش‌ها محول کند.^۱

بنابراین همان‌گونه که در قانون اساسی آمده است «قضات دیوان عالی»، قضات دادگاه استیناف، و قضات دادگاه ناحیه‌ای از سوی رئیس‌جمهور منصوب و مجلس سنای ایالات متحده انتصاب آن‌ها را تأیید می‌کند. معرفی اسامی نامزدهای بالقوه اغلب از سوی سناتورها و گاهی از طرف اعضای مجلس هم‌حزبی رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد. معمولاً تأیید گزارش این نامزدها به‌عهده کمیته قضایی سنا است. بر اساس ماده ۳ قانون اساسی ایالات متحده، دوره انتصاب صاحب‌منصبان قضایی مادام‌العمر است (O'Connell & McCaffrey, 2012, p. 22).

در ایالات متحده آمریکا انتخاب قضات فدرال را رئیس‌جمهور انجام می‌دهد که انتصابشان باید در مجلس سنا بررسی شود و اکثریت (نصف به‌علاوه یک) آرای آنان را تأیید کند. در آمریکا حسب اینکه چه کسی ریاست قوه مجریه را برعهده داشته باشد، مسئولیت سنگین انتخاب قضات به دادستان کل آمریکا یا معاون وی سپرده شده است که این مسئله در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور به‌وقوع پیوست. در دوره ریاست جمهوری ریگان، برای گزینش قضات کمیته‌ای مرکب از هفت نفر از مقامات عالی‌رتبه دادگستری به ریاست دادستان کل در کاخ سفید تشکیل شد که این کمیته با رایزنی FBI و أخذ نظر^۲ از ABA (کانون وکلای آمریکا) به مناصب خالی قضاوت رسیدگی کرد و توصیه‌هایی را به رئیس‌جمهور ارائه داد (تنک، ۱۳۵۸، ص ۶۹).

1. <http://www.usconstitution.net/const.html#Article3>

2. The American Bar Association

در تعیین قضات سه عامل مهم نقش دارند:

- نظرسنجی از سناتورها در مرحله تأیید، تا انتخاب قضات با مشکل روبرو نشود.
- أخذ نظریه کمیته دوازده نفری کانون وکلای آمریکا که در سال ۱۹۴۶م تأسیس شده و به نام «کمیته دستگاه قضایی فدرال» شهرت یافته است. این کمیته گرچه دارای سمت و اختیار رسمی نیست، ولی از زمان ترومن، رئیس جمهور اسبق آمریکا، مرسوم شده است که از این کمیته درباره قضات دادگاه‌های فدرال نظرخواهی می‌کنند. مشاوره‌های قبلی با این کمیته معمولاً دارای آثار مثبتی بوده است. کمیته یادشده پس از بررسی و مطالعه که معمولاً بین شش تا هشت هفته زمان می‌برد، نظر خود را درباره نامزد شغل قضاوت با ذکر درجه‌ای که برای او در نظر گرفته است، به اطلاع وزارت دادگستری می‌رساند. گرچه نظر این کمیته مشورتی است و برای رئیس جمهور الزام قانونی ایجاد نمی‌کند، ولی رئیس جمهور اغلب آن را مد نظر قرار می‌دهد (رشوند بوکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).
- نظر و عقیده سایر قضاتی است که در همان سطح و مرتبه به کار قضایی اشتغال دارند. این رویه به‌ویژه در دیوان عالی آمریکا کاربرد دارد.

۱.۱. نقش مجلس سنا در انتخاب قضات فدرال

پس از اینکه نامزدی به سنا معرفی شد به کمیته قضایی ارجاع داده می‌شود. کمیته معمولاً گزارش تنفیذ نماینده را برعهده دارد. باین حال، قبل از اینکه گزارش در کمیته بررسی شود، نامزدها منتظر تکمیل پرسش‌نامه‌های جامع هستند. کمیته دائمی کانون وکلای آمریکا در قوه قضائیه فدرال ارزیابی‌هایی صلاحیت‌های تخصصی نامزد قضایی را ارائه می‌دهد. این رتبه‌بندی‌ها از درستی، صلاحیت حرفه‌ای و خلق و خوی قضایی نامزدها ارزیابی به‌عمل می‌آورد. این‌ها ارزیابی فلسفی یا ایدئولوژی نامزدها نیست. در طی رسیدگی، نامزدهای قضایی در جلسه پرسش و پاسخ با اعضای کمیته قضایی شرکت می‌کنند. پس از استماع، ممکن است اعضای کمیته سؤال‌های پیگیری را به صورت کتبی برای نامزدها ارسال نمایند. پس از تکمیل سؤال‌های پیگیری، هر نامزد ممکن است در جلسه مدیران ارشد اجرایی کسب و کار در لیست کمیته قرار بگیرد (O'Connell & McCaffrey, 2012, P. 24).

تجربه در کنگره‌های اخیر نشان داده است که حتی زمانی که مشورت و رایزنی وجود داشته باشد، رسیدن به توافق در انتخاب یک نامزد کار ساده و راحتی نیست؛ به‌ویژه زمانی که میان خط‌مشی‌ها و معیارهای انتخاب نامزد قضایی، از نظر رئیس جمهور و سناتورهای ایالتی تفاوت وجود داشته باشد و یا هنگامی که اختلافات حزبی شدید بین رئیس جمهور و حزب مخالف در

مجلس سنا راجع به انتصابات قضایی وجود داشته باشد، این شرایط سخت تر خواهد شد. به هر حال، در چنین شرایطی گاهی ممکن است فرایند مشورتی فرصتی را برای دولت و سناتور سنا برای حل و فصل اختلافات ایجاد کند (Rutkus, 2013, P. 57).

۱.۲. تأثیر کمیته دائمی کانون وکلای امریکا در تعیین قضات فدرال

در سال ۲۰۰۹م کمیته دائمی کانون وکلای امریکا در قوه قضائیه فدرال رسم دیرینه ارائه ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای نامزدهای احتمالی دادگاه‌های بدوی فدرال به کاخ سفید پیش از تعیین رئیس جمهور را از سر گرفت. از سال ۱۹۵۳ تا ۲۰۰۰م هر رئیس جمهور راجع به نامزدهای قضایی آتی فدرال با کمیته مشورت کرده است. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸م، ارزیابی‌های کمیته پس از تقدیم اسامی نامزدها از طرف رئیس جمهور به مجلس سنا و قبل از جلسات تأیید در کمیته قضایی سنا صورت می‌گیرد. صرف نظر از اینکه چه موقع کار کمیته به پایان برسد، آن‌ها همواره قابلیت‌های حرفه‌ای، صداقت و خلق و خوی قضایی را ارزیابی می‌کنند (American Bar Association, 2009, P. 1).

بی‌طرفی و استقلال و روش کاری کمیته برای نتیجه‌بخش بودن کار آن‌ها از ضروریات است. شورای مدیران کانون وکلای امریکا، مجلس نمایندگان و صاحب‌منصبان به هیچ وجه در کار کمیته دخالت نمی‌کنند. افزون بر این، هیچ گونه افشاگری نسبت به ماهیت کاری کمیته بر داوطلبان یا کارکنان ABA و رئیس کانون وکلا صورت نمی‌گیرد. مأموریت آن‌ها از دیگر فعالیت‌های ABA مستقل و مجزا است و به جز مواردی که بیان شده، تحت تأثیر سیاست‌های ABA قرار نمی‌گیرد (American Bar Association, 2009, P. 1).

اساس فرایند بررسی کمیته، محرمانه است. کمیته به شدت به حفظ محرمانه بودن ارزیابی داخلی و گزارش‌ها معتقد است و اصول محرمانه به جز اعضای کمیته نزد فرد دیگری افشا نمی‌شود. کمیته به دیدگاه‌های ارائه شده منابع ناشناس توجهی ندارد و برای ارزیابی نامزد احتمالی بر چنین اظهاراتی اطمینان نمی‌کند. در عوض، کل مصاحبه‌شونده‌هایی که تمایل دارند نظر آن‌ها راجع به نامزد محتمل مورد توجه کمیته قرار گیرد باید بپذیرند که هویت آن‌ها صرفاً نزد اعضای کمیته افشا شود. کمیته به حفظ محرمانه بودن هویت همه قضات، وکلا و دیگر اشخاص ارائه‌دهنده اطلاعات مربوط به صلاحیت‌های حرفه‌ای نامزد احتمالی به شدت پایبند است؛ مگر اینکه مصاحبه‌شونده از محرمانه بودن صرف نظر کند. اطمینان دادن به مصاحبه‌شونده راجع به محرمانه بودن اطلاعات از سوی کمیته، به منظور دریافت ارزیابی منصفانه از صلاحیت‌های حرفه‌ای نامزد محتمل ضروری است. حفظ اسرار با توجه به هویت افرادی که رئیس جمهور به عنوان نامزد در نظر گرفته و ارائه اسامی از سوی کاخ سفید یا وزارت

دادگستری به کمیته تا حدی حیاتی است. اعضای کمیته اسامی نامزدهای احتمالی را صرفاً در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار می‌دهند. از هر مصاحبه‌شونده خواسته می‌شود که اسامی نامزد محتمل و مفاد مصاحبه را محرمانه نگه دارد. اگرچه کمیته تمام تلاش خود را در ارزیابی محرمانه به کار می‌گیرد، با این همه، این امکان وجود دارد که انجام ارزیابی به شناسایی نامزد احتمالی منجر شود، به‌ویژه در پرتو این واقعیت که اسامی نامزد احتمالی حتی قبل از اطلاع کمیته، اغلب موضوع گمانه‌زنی رسانه‌ای قرار می‌گیرد. پس از خاتمه ارزیابی نامزد محتمل، و پیش از رأی‌گیری کمیته، رئیس کمیته با کاخ سفید تماس گرفته، نتیجه احتمالی ارزیابی کمیته را به‌طور مجمل بیان می‌کند. این اطلاعات در نهایت اطمینان‌نهاداری می‌شوند (American Bar Association, 2009, p. 2).

۱.۳. ملاک‌ها و معیارهای معرفی قضات به مجلس سنا

بررسی صلاحیت قضات منحصر به صلاحیت‌های حقوقی نیست، بلکه تخصص‌های اقتصادی، سیاسی، اداری و اجتماعی نیز از اهمیت والایی برخوردار است. بنابراین در انتخاب قاضی باید تخصص‌های مالی، دیپلماتیک، اجرایی، قانون‌گذاری یا سیاسی یا تدریس در دانشکده‌های حقوق و امثال آن مد نظر قرار گیرد. متغیر سن نیز در تصمیمات قضات اهمیت بسزایی دارد. مطابق آمارها، تا سال ۱۹۳۷م سن قضات بین ۴۰ تا ۴۵ سال بود. در امریکا منصب قضا نوعی پاداش تلقی می‌شود که شخص به دلیل پرداختن به عمل حقوقی در محاکم و در جایگاه وکالت، آن هم برای مدت طولانی و پس از آبدیده‌شدن در بوته‌ی تجربه، صلاحیت برخوردار از آن را پیدا می‌کند. منصب قضاوت در امریکا آن‌قدر اهمیت دارد که گفته‌اند این منصب قضاوت است که باید دنبال اشخاص بگردد، نه اینکه شخص به دنبال آن باشد (رشوند بوکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳-۱۰۰).

الف) احراز اشتغال فعال حقوق

در فرایند ارزیابی باید طول دوره حرفه حقوقی و نوع اشتغال به وکالت متقاضی مورد توجه قرار گیرد. متقاضی باید شایستگی حرفه‌ای خود را ثابت کند؛ از قبیل توانایی مقابله با مسائل حقوقی پیچیده و داشتن استعداد تحقیقات قانونی و نیز نگارش مؤثر. باید نامزدهای تمام بخش‌های کانون، از قبیل کارمند دولت، انجمن کمک‌های حقوقی، مؤسسات منافع عمومی و دادگاه‌های ایالتی هم مورد توجه قرار گیرند.

از آنجا که قوانین آیین دادرسی در نظام قضایی فدرال اغلب متفاوت با دادرسی ایالتی است، این امکان وجود دارد که آشنایی متقاضیان با نظام قضایی فدرال مورد توجه قرار گیرد. این

آشنایی می‌تواند حاکی از آشنایی با قواعد و دادرسی دادگاه فدرال باشد. همچنین گذراندن موفقیت‌آمیز دوره‌های حقوقی فدرال از جمله در حوزه دادرسی مدنی و کیفری نیز از شواهد آشنایی حقوقی است.

ب) ویژگی‌های فردی

قوانین و مقررات کنفرانس قضایی اصرار دارد که قاضی باید شایستگی و شخصیت اخلاقی خوب و ثبات احساسی و قابلیت ژرفاندیشی و قاطعیت داشته باشد و نیز خردمند، سالم، صبور و خوش‌رفتار باشد. این ویژگی‌ها ذاتاً به طرز تفکر شخص مربوط می‌شود و قابل سنجش نیست. باین‌همه، این ویژگی‌ها مهم‌ترین خصوصیات در اجرای موفق وظایف قضایی است.

داشتن ویژگی‌های خوب فردی همچون هوش بالا، صداقت و پایبندی، ثبات و کمال، رفتار مناسب، بی‌طرفی و معقولیت، قابلیت کار کردن با دیگران، همدردی، عدالت و الزام به حقوق برابر برای همه، سعی و کوشش، مصونیت از نفوذ غیرضروری، سلامت روانی و جسمانی، و فعالیت در امور مدنی و اجتماعی از دیگر معیارها در انتخاب قاضی است.

ج) سابقه و شهرت حرفه‌ای

داشتن شهرت حرفه‌ای در بین اعضای کانون، شهرت انصاف، شایستگی، صداقت و تجربه مشکلات پیچیده، داشتن خدمات قبلی به‌عنوان وکیل یا قاضی و یا مقام دولتی، مهارت‌های نوشتن، تجربه دادگاه، آیین دادرسی، آشنایی با قوانین و روش‌های فدرال، و نیز مشارکت در انجمن‌ها، فعالیت‌های حرفه‌ای و فعالیت‌های عمومی و عام‌المنفعه (ADMINISTRATIVE OFFICE OF THE UNITED STATES COURTS, 2010, P. 11).

۲. انتخاب قضات در سطح ایالتی امریکا

معرفی دادگاه‌های ایالتی به‌طور کلی آسان نیست. هر ایالت می‌تواند چنان‌که می‌خواهد سیستم قضایی خود را تنظیم نماید و معمولاً بین ایالات اختلافات مهمی، خواه در سازمان قضایی و خواه در صلاحیت قضات، مشاهده می‌شود (تنک، ۱۳۵۸، ص ۷۶).

قاضی ایالتی امریکا پس از نهضت بزرگ دموکراتیک در سال ۱۸۳۰م، به‌جز در حدود ۱۰ ایالت، یک قاضی انتخابی است که با رأی عمومی تعیین می‌شود. این سیستم مورد بحث و انتقاد بسیار واقع شده و به عقیده برخی این نوع انتخاب به دلایل احساسی یا برای احتراز از گزینه‌های بدتر حفظ شده است. با انجام اقدامات مختلف قانونی یا عملی، اصلاحات کم و بیش

مهمی در این سیستم به عمل آمده است. به این صورت که پس از فوت یا استعفا قاضی ایالتی، جانشین او برای مدت موقت به وسیله فرماندار تعیین می شود و در عمل اغلب همین شخص از طریق آرای عمومی انتخاب می گردد. در برخی از ایالت‌ها کاندیداها باید به وسیله کانون وکلا معرفی شوند و اعضای کانون وکلا توافق دارند که کاندیداهای صلاحیت‌دار و ارزنده معرفی کنند. در برخی از ایالات، با افزایش حقوق قضات و مدت خدمت آنان، کوشیده‌اند قضات بالنسبه شایسته و ارزنده‌ای را به خدمت گیرند (تنک، ۱۳۵۸، ص ۷۷).

در سطح ایالتی به منظور خدمت در دادگاه‌ها راه‌های گوناگونی برای انتخاب قضات وجود دارد که می توان آن را در پنج روش تقسیم‌بندی کرد، لکن باید توجه داشت که هیچ‌گاه دو ایالت دقیقاً از یک روش انتخاب استفاده نمی کنند. در بسیاری از ایالت‌ها، بیش از یک روش انتخاب وجود دارد و هنگامی که از روشی مشابه استفاده می شود، همیشه تفاوت‌هایی در چگونگی اجرای عملی آن به چشم می خورد (University of Denver, 2008, P. 6).

نحوه تصدی مقام قضا^۱ از سوی وکلا به دو طریق گزینش رسمی و غیررسمی صورت می گیرد. برخی ایالت‌ها برای سطوح مختلف قوه قضائیه از روش‌های مختلف گزینش استفاده می کنند. در تعیین وکلای صالح برای امر قضا، روش‌های گزینش رسمی (حقوق در کتب) از روش‌های غیررسمی دارای اهمیت کمتری است. گزینش، راه واقعی تصدی منصب قضا است. با خالی شدن مناصب قضایی روش‌های گزینش داخلی نیز رعایت می شود. انتصاب از سوی فرمانداران و نیز گزینش بر پایه صلاحیت، رویکردهای مسلط در اشتغال مناصب موقت خالی است (Holmes and Emrey, 2006, P. 1-12).. در ادامه از میان پنج روش اصلی تصدی مقام قضا، انتصاب از سوی قوه مجریه^۲، انتصاب قانون‌گذاران^۳، انتخاب هواداران^۴، انتخاب غیرهواداران^۵، و گزینش بر پایه صلاحیت^۶، به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می شود.

۱.۲. انتصاب از سوی قوه مجریه

این نوع انتصاب در ایالات شبیه نظام انتخاب قضات فدرال از سوی ریاست جمهوری است، با این استثنا که انتصاب از سوی فرماندار نیازی به تأیید مجلس ندارد. فرمانداران به مانند مقامات فدرال تمایل دارند کسانی را انتخاب کنند که در جریان انتخابات از فرمانداران حمایت کرده‌اند. معروف است که فرمانداران برای تقویت جایگاه محلی خود یا حفظ رابطه با یک گروه خاص از

1. Judgeship
2. Executive appoint
3. egislative selection
4. Popular selection/partisan election
5. non partisan election
6. Merit selection

رأی‌دهندگان، به انتخاب خود دست می‌زنند. در سال‌های اخیر برخی از فرمانداران به کانون‌های وکلا اجازه داده‌اند تا صلاحیت نامزدهای بالقوه را مورد بررسی قرار دهند. نفوذ کانون وکلا در سطح ایالات نیز همانند نقش کانون وکلای امریکا در انتخاب قضات فدرال در حال افزایش بوده، اما باید گفت فرمانداران در نادیده گرفتن توصیه‌های کانون وکلا دارای استقلال بیشتری هستند (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۵). با توجه به اختلافات موجود بین نظام‌های انتصاب در ایالات، ممکن است نیازمند تأییدیه از سوی مجلس یا شورای اجرایی نیز باشد (O'Connell & McCaffrey, 2012, p. 24).

۲.۲. گزینش قضات از طریق انتخابات هوادارانه و غیرهوادارانه

روش انتخاب هوادارانه شبیه انتخابات سیاسی است. این روش به قضات اجازه می‌دهد که برای انجام فعالیت‌های انتخاباتی خود از گروه‌های سیاسی کمک بگیرند و به‌عنوان قضات جمهوری خواه و دموکرات در صحنه انتخابات رقابتی حاضر شوند. برعکس انتخابات غیرهوادارانه یا غیرسیاسی به قضات اجازه پیوستگی و کمک گرفتن به گروه‌های سیاسی را نمی‌دهد (Ginsburg, 2009, p. 7). حرکت به سوی انتخابات غیرهوادارانه نقطه شروع برای اصلاحات بود. در حال حاضر هشت ایالت دارای انتخابات هوادارانه و سیزده ایالت دارای انتخابات غیرهوادارانه هستند. قضات در این دو نوع انتخابات مانند سایر کاندیداهای سیاسی (قوای مقننه و مجریه)، در قبال رأی‌دهندگان پاسخگو هستند و درواقع باید برای انتخاب اولیه و مجدد خود به رأی مردم وابسته باشند.

بیش از نیمی از ایالات قضات را از طریق انتخابات بر می‌گزینند. مفهوم قوه قضائیه انتخابی، تأسیس خاص امریکا در دموکراتیزه کردن فرایند سیاسی است. این امر بر پایه مفهومی است که بر اساس آن، قوه قضائیه نخبه‌گرا با ایدئولوژی دولتی که تحت کنترل مردم است همراه نخواهد بود. بر اساس این فلسفه، برای مناصب عمومی، صلاحیت خاصی نباید وجود داشته باشد و رأی‌دهندگان خود در مورد صلاحیت ایشان تصمیم‌گیری خواهند کرد (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۵). در برخی ایالت‌ها، قضات بر اساس انتخابات حزبی^۱ (نام حزب سیاسی طرفدار نامزد در برگه رأی نوشته می‌شود) به این پست منصوب می‌شوند. از منظر تاریخی، این رویکرد رؤسای حزب را قادر می‌سازد تا از مناصب قضایی به‌عنوان اهرم‌های پیروزی و رشد حزب بهره‌گیرند. در سایر ایالت‌ها، قضات بر اساس انتخاب غیرحزبی (عدم درج نام حزب مربوطه) گزینش می‌شوند. قطع نظر از این امر، حتی در فرض انتخابات غیرحزبی نیز امکان نفوذ احزاب متصور

1. Partisan elections

است (قانون در عمل) و کاندیداهای قضایی از سوی احزاب و نامزدها مورد حمایت قرار گرفته، در طول مبارزات حمایت حزبی را پشت سر خود دارند و با برچسب‌های حزبی هویت خود را پیدا می‌کنند. به‌طور سنتی، رقابت برای تصدی مناصب قضایی در امریکا اموری کم‌اهمیت بوده که معمولاً نبود بحث و یا میزان پایین رأی‌دهندگان از ویژگی‌های آن است. کاندیداهای مناصب قضایی اغلب بر برنامه‌های کلی همانند اجرای عدالت و یا اتخاذ مواضع سختگیرانه تکیه کرده، آن‌ها را در مبارزات خود برجسته می‌سازند. بنابراین برای مردم در ایجاد تمایز کافی بین کاندیداهای معرفی شده، فرصت و یا امکانات مناسب وجود ندارد. نبود اطلاعات و میزان پایین رأی‌دهندگان موجب می‌شود تا قضات شاغل در امر انتخاب مجدد، موفق‌تر باشند (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۵). پس از گزینش قاضی، اعم از اینکه به صورت انتخابی باشد یا انتصابی، شانس رأی‌نیابردن در انتخابات بعدی بسیار کم است. تاکنون قضات معدودی وجود داشته‌اند که نتوانسته‌اند مجدداً در پست خود ابقا شوند و از میان آن‌ها نیز کسر کوچکی از این پست کنار گذاشته شده‌اند (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۶).

۳.۲. گزینش از سوی هیئت ارزیاب^۱ (روش انتخاب شایستگان)

انتصاب مبتنی بر کمیسیون (مشهور به هیئت ارزیاب، طرح میسوری، طرح دادگاه بی‌طرفی). فرایندی است که در آن متقاضیان قضا از سوی کمیسیون انتخاب نامزد ارزیابی شده، پس از آن اسامی کاندیدهای واجد شرایط به فرمانداری فرستاده می‌شود. فرماندار یکی از نامزدهای معرفی شده کمیسیون را منصوب می‌کند. قاضی انتخاب شده با این روش در یک مرحله به همه‌پرسی گذاشته می‌شود و رأی‌دهندگان نظر خود را راجع به ادامه یا توقف کار وی اعلام می‌کنند.

در سال ۱۹۱۳ م روش انتخاب قضات موسوم به روش انتخاب شایستگان، به‌وجود آمد. در این روش، فرماندار ایالت قضات را منصوب می‌کند. اما انتخاب فرماندار از بین کاندیدهایی که صلاحیت فردی و حرفه‌ای آن‌ها از طرف کمیسیونی مستقل بررسی شده است، انجام می‌شود. قضاتی که از این طریق انتخاب می‌شوند، بعد از مدتی معین و به‌طور مکرر باید در انتخابات برای ماندن در منصب قضا شرکت کنند. این انتخابات که به انتخابات برای ابقا موسوم است، رقابتی نیست و در آن از رأی‌دهندگان، یعنی مردم، سؤال می‌شود که آیا قاضی موردنظر در منصب قضا باقی بماند یا خیر؟ (Wheele, 2005, p. 140). رأی‌دهندگان با رأی نظر خود را راجع به ابقای قاضی بیان می‌کنند. در شکل‌گیری این روش انتخاب، کانون وکلای امریکا و جامعه قضات امریکا نقش داشتند. در اوایل سال ۱۹۰۳ م جامعه قضات امریکا و کانون وکلای

1. Commission-based appointment (also known as 'merit selection', the 'Missouri Plan', or the 'Nonpartisan Court Plan')

امریکا به منظور بهبود استقلال قضایی، روش انتخاب شایستگان را پیشنهاد دادند. این دو نهاد در حال حاضر نیز از این روش انتخاب قاضی حمایت می‌کنند و انتخابات هوادارانه و غیرهوادارانه را مناسب نمی‌دانند. در سال ۱۹۴۰م، میسوری اولین ایالتی بود که روش انتخاب شایستگان را به کار برد. به دنبال آن، چندین ایالت این روش را اتخاذ کردند. روش انتخاب شایستگان و کمیسیون‌های بررسی صلاحیت، مانند شورای عالی قضایی است. طرفداران روش انتخاب شایستگان معتقدند که این روش، کاندیدای قضایی واجد صلاحیت‌تری را نسبت به سایر روش‌ها به‌عنوان قاضی انتخاب می‌کند و مانع نفوذ گروه‌های سیاسی می‌شود و در صورتی که قاضی عملکرد جانب‌دارانه و سیاسی اتخاذ کند، در انتخابات کنار گذاشته خواهد شد (Philips, 2003, p. 2).

درواقع این روش ابداعی در جهت کاهش تأثیر سیاست در دستگاه قضایی مطرح شد. «سیاست را به دادگاه راه ندهید»، جمله‌ای است که اصلاح‌طلبان نظام قضایی آن را برای مدت مدیدی به زبان می‌آورند. این اصلاح‌طلبان با انتخاب قضات از سوی مردم مخالفت می‌کنند، چراکه بر این باورند رأی‌دهندگان برای تشخیص اینکه کدام وکیل می‌تواند قاضی خوبی باشد معیار مشخصی ندارند. افزون بر این، انتخابات، خود زمینه‌ای است که موجب می‌شود قضات بر اساس ذائقه افکار عمومی به صدور حکم بپردازند. برای حل این مصائب، اصلاح‌طلبان حوزه قانون از گزینش بر اساس شایستگی که به‌عنوان طرح کانون وکلای میسوری مشهور است، طرفداری می‌کنند. علت این نام‌گذاری این است که ایالت میسوری برای اولین بار در سال ۱۹۴۰م اجرای روش شایستگان را به تصویب رساند. گزینش بر اساس شایستگی، ترکیبی از روش‌های مختلف انتخاب قضات است. گزینش بر اساس شایستگی مستلزم ایجاد کمیسیون تعیین نامزدهای مربوط به مناصب قضایی است که در آن وکلا و افراد غیرحرفه‌ای حضور دارند و لیست نامزدهای دارای صلاحیت را به فرماندار معرفی می‌کنند. فرماندار به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی ایالت، در مورد گزینش نهایی تصمیم‌گیری خواهد کرد. اما او ملزم است که از میان افراد مندرج در لیست کمیسیون به انتخاب دست بزند (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۶).

پس از مدت کوتاهی در مقام قضا (که معمولاً یکسال است)، قاضی جدید بدون رقیب خواهد بود. تنها سؤال این است که آیا قاضی باید همچنان در پست خود ابقا شود؟ چنانچه قاضی شاغل اکثریت رأی‌های مثبت را از آن خود کند، برای کل مدت تصدی، کرسی قضاوت را در اختیار خواهد داشت. در طول مدت تصدی با رأی‌گیری برای ابقا^۱ که معمولاً بدون رقیب برگزار می‌شود، در عمل خطر برکناری وجود ندارد و بیشتر قضات با حاشیه مناسبی - اغلب ۷

1. Retention election

درصد آرا- در منصب خود ابقا می‌شوند، ولی محدود قضاتی هم بوده‌اند که از پست خود برکنار شده‌اند. برای مثال در طول مدت سی سال، ۵۰ قاضی در سطح محاکم بدوی و تجدیدنظر ده ایالت در طول ۳۹۱۲ مورد رأی‌گیری برای ابقا، پست خود را از دست دادند که ۲۸ مورد آن‌ها در ایالت ایلینوی رخ داده است و بر اساس مقررات این ایالت، قاضی برای ابقا در پست خود باید ۶۰ درصد آرای مردمی را کسب کند. درحقیقت، حذف عامل سیاست غیرممکن به نظر می‌رسد. آنچه که اصلاح‌طلبان مفروضاً به آن اشاره می‌کنند، حذف سیاست‌های حزبی است. در عمل این روش نفوذ احزاب سیاسی را کاهش داده، درحالی که هم‌زمان اختیار جامعه حقوقی افزایش یافته است (Taylor, 2009, p. 97-101).

به صورت گسترده، ترویج این روش انتخاب قضات در سال ۱۹۴۰م در ایالت میسوری برای غلبه بر کنترل انتخاب قضایی از سوی دستگاه‌های قضایی و کارفرمایان حزبی اتخاذ شد و به‌عنوان یک الگو برای ۳۴ ایالت دیگر بر مبنای شایستگی به‌منظور پر کردن برخی پست‌های قضایی بلاتصدی مورد استفاده قرار گرفت.^۱

گام‌های اساسی در روند انتصاب به این شرح است: اعلام پست بلاتصدی قضایی، دریافت درخواست‌نامه کاندیداهای ذی‌نفع، بررسی و مصاحبه آینده‌نگرانانه کاندیداها از سوی کمیسیون تعیین کاندیداها، تدوین لیست کوتاهی از اسامی توصیه‌شده به فرماندار، تعیین شخصی از لیست برای پست بلاتصدی از جانب فرماندار.^۲ با وجود این، در این روش نیز شیوه واحدی وجود ندارد. در برخی ایالت‌ها، هر متقاضی واجد صلاحیت مصاحبه است، درحالی که در برخی دیگر فقط متقاضیانی فرا خوانده می‌شوند که به احتمال زیاد در لیست نهایی باشند. در برخی از ایالت‌ها انتخاب فرماندار کافی است، اما در برخی دیگر، مجلس باید با انتصاب موافق باشد.^۳

کمیسیون بررسی‌کننده صلاحیت کاندیداها (هیئت ارزیاب) معمولاً از سوی هیئت مقامات دولتی، وکلای مدافع و شهروندان انتخاب می‌شوند. ممکن است این هیئت‌ها متشکل از فرماندار، دادستان کل، قضات دادگاه عالی ایالت، مأمورین کانون وکلا، شهروندان و در برخی موارد اعضای قوه مقننه ایالت باشند. در حال حاضر دو سوم از ایالت‌ها و نیز نواحی کلمبیا همه یا برخی از قضات را تحت سیستم ارزیاب (شایسته‌سالاری) انتخاب می‌کنند.^۴

به‌هرحال، گزینش بر اساس شایستگی مورد توجه گسترده قرار گرفته است. اکثریت ایالت‌ها حداقل در سطح نظام محاکم ایالتی، از سیستم شایسته‌گزینی استفاده می‌کنند، افزون بر این، برخی ایالت‌ها در حال بررسی سیستم گزینش بر اساس شایستگی هستند. به‌عنوان نشانه‌ای از

1. http://www.judicialselection.us/judicial_selection/index.cfm?state=MO

2. http://brennan.3cdn.net/31e6c0fa3c2e920910_ppm6ibehe.pdf

3. As above

4. http://www.judicialselection.us/uploads/documents/ms_descrip_1185462202120.pdf

اهمیت روزافزون این سیستم، تمامی ایالت‌هایی که تکنیک‌های گزینش مقامات قضایی را در سال‌های اخیر تغییر داده‌اند، شکلی از طرح کانون وکلای میسوری را اعمال کرده‌اند. حتی در ایالاتی که رسماً نظام شایسته‌گزینی را اعمال نمی‌کنند، فرمانداران برای مناصب موقت اغلب از برنامه‌های گزینشی بر اساس شایستگی استفاده می‌کنند (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۳۲۷).

جذب و به کارگیری قضات در نظام حقوقی فرانسه

تا زمان انقلاب کبیر فرانسه، منصب قضاوت در این کشور موروثی و قابل خرید و فروش بوده است. از آغاز دوره انقلاب، مجلس مؤسسان این ترتیب را موقوف ساخته، نصب مأمورین قضایی را به وسیله انتخابات یعنی آرای عمومی مقرر داشت. چون این ترتیب نیز نتیجه مثبتی دربر نداشت، در زمان کنسول‌ها، نصب قضات به قوه مجریه واگذار شد (متین دفتری، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۵۱). موروثی و قابل خرید و فروش بودن منصب قضا پیش از انقلاب ۱۷۸۹م، نظام قضایی را در انحطاط کامل قرار داد. انقلاب کبیر فرانسه این موضوع را متحول ساخت. مجلس مؤسسان نصب مأموران قضایی را برعهده مردم قرار داد که از طریق انتخابات عمومی آن‌ها را انتخاب کنند. گزینش به وسیله عامه مردم به طور مستقیم نمی‌توانست مطلوب باشد، چراکه با انتخابات عمومی اشخاص ناوارد و ناشایسته در مسند قضا قرار می‌گرفتند. به این دلیل این وضع پس از مدتی منسوخ شد و نصب قضات برعهده قوه مجریه قرار گرفت؛ با این همه، قضات دیوان کشور را مجلس سنا انتخاب می‌کرد.

ناپلئون در سال ۱۸۰۴م آخرین سیستم انتخابات عمومی را لغو و روش انتصاب از سوی هیئت رئیسه را جایگزین کرد؛ روشی که بدون وقفه تاکنون ادامه دارد. در سال ۱۸۴۸م، تحریکاتی به نفع بازگشت به انتخابات عمومی وجود داشت، اما در سال‌های اخیر، علاقه به این موضوع کاهش پیدا کرد و در حال حاضر هیچ تقاضای عمومی برای انتخابات عمومی وجود ندارد. از احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی در فرانسه، تنها کسی که طرفدار انتخابات عمومی بوده، حزب رادیکال (اصلاح‌طلبان) است (Garner, 2016, p. 361-363). در زمان حکومت دفاع ملی (۱۸۷۰م) مقرر شد که قضات با درجه پایین‌تر را قضات بالاتر برگزینند؛ یعنی امنای صلح را محاکم ابتدایی، قضات محاکم ابتدایی را دادگاه‌های استیناف، قضات استیناف را دیوان تمییز، و نیز مستشاران دیوان تمییز را مجلسین انتخاب کنند. سرانجام تشخیص دادند که نصب قضات به قوه مجریه برگردد (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۳۰۳).

در حال حاضر با توجه به قانون سازمان نظام قضایی فرانسه مصوب ۲۲ دسامبر ۱۹۵۸ و ماده ۱۶ آن (اصلاحی ژانویه ۱۹۷۹)، هر فرانسوی با شرایط سنی مقرر برای سایر کارمندان، مدرک لیسانس در رشته‌های اعلام‌شده و بهره‌مند از حقوق اجتماعی، دارای حسن اخلاق و

تبادل روانی که از نظر خدمت وظیفه مشکلی نداشته باشد و از شرایط جسمانی متناسب با شغل قضا برخوردار باشد، می‌تواند در آزمون ورودی کارآموزی قضاوت شرکت کند. کارمندان دولت و برخی تشکیلات عمومی با چهار سال خدمت نیز می‌توانند در صورتی که واجد شرایط باشند، در آزمون با همان سطح شرکت نموده، به‌عنوان کارآموز قضایی انتخاب شوند. داوطلبان پذیرفته‌شده به حکم وزیر دادگستری به‌عنوان کارآموز قضایی انتخاب شده، در مدرسه ملی قضایی به کارآموزی مشغول می‌شوند (شمس، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۰). انتخاب قضات در فرانسه را می‌بایست با تفکیک بین دادگاه‌های عمومی (اعم از حقوقی و کیفری) و دادگاه‌های اداری مورد مطالعه قرار داد.

۱. جذب قضات دادگاه‌های عمومی

اکثر قضات تالی در محاکم غیراداری، قضاتی هستند که در خلال تحصیل خود در «مدرسه ملی قضایی» برای این سمت آموزش دیده‌اند (سواری دهقی، ۱۳۹۴، ص ۹۲؛ الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۱۰-۳۰۹).

از طریق مدرسه ملی علوم قضایی، فرانسه مدل خاصی را ایجاد کرده است که به موجب آن قضات اجازه به‌اشتراک گذاشتن فرهنگ حقوقی مشترک و یکپارچه کردن تحولات جدید قانون‌گذاری به شیوه‌های حرفه‌ای در دوره شغلی خود را دارند. این مدرسه یک نهاد عمومی مستقل وابسته به وزارت دادگستری است و بودجه مستقل و هیئت رئیسه دارد که مسئول تعیین دستورالعمل آموزشی است و دو وظیفه عمده را برعهده دارد:

- آموزش قضات و دادستان‌های عمومی فرانسه که پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه از طریق آزمون جذب می‌شوند.
- آموزش مداوم حرفه‌ای به قضات در طول زندگی حرفه‌ای. به‌طور قانونی قضات در یک سال مستحق ۵ روز آموزش هستند. همچنین روند رو به رشد فعالیت‌های بین‌المللی و اروپایی، میزبانی کارآموزان خارجی و اجرای برنامه‌هایی در بیش از ۶۰ کشور به‌عنوان بخشی از برنامه‌های بین‌المللی است که انجام می‌گیرد. (E. Aguilera, 2012, p. 9).

داوطلبان حضور در مدرسه ملی قضایی قانوناً باید دارای مدرک دانشگاهی باشند که لزوماً نباید مدرک حقوق باشد. ولی داوطلبان موفق احتمالاً کسانی هستند که دارای مدرک حقوقی‌اند و البته برخی ممکن است صلاحیت‌ها و قابلیت‌های دیگری هم داشته باشند. داوطلبان می‌توانند در مؤسسه مطالعات قضایی محلی دوره‌هایی را هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی خود بگذرانند؛ آن‌ها هم به همان ترتیبی که وکلای مدافع علاقه‌مند، دوره‌های

مناسب و لازم را طی می‌کنند. آزمون ورودی مشتمل است بر سؤالات کتبی در خصوص حقوق مدنی، حقوق عمومی یا کیفری، و آزمون‌های شفاهی مختلف در موضوعاتی مثل حقوق تجارت یا حقوق اداری (الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱).

دوره آموزشی ۳۱ ماهه آنان شامل آموزش عملی در مدرسه عالی قضایی و دادگاه‌ها است. در مدرسه عالی قضایی، کارآموزان در کلاس‌های درس و سمینارهایی شرکت می‌کنند که برخی به اخلاق قضایی اختصاص داده شده است. در آخر این دوره پژوهش‌هایی به کارآموزان محول می‌شود. کارآموزی در مؤسسات حقوقی، نهادهای عمومی یا سازمان‌های بین‌المللی فرصتی فراهم می‌کند که کارآموزان با نهادهایی آشنا شوند که با منطقی متفاوت کار می‌کنند. البته این کارآموزی اجباری نبوده، تنها دو ماه است. سایر دوره‌های کارآموزی در دادگاه‌ها و با نظارت قضات باتجربه، مؤسسات حقوقی و سازمان‌های تأدیبی برگزار می‌شود تا کارآموزان با سایر ابعاد نظام دادگستری آشنا شوند. افراد جذب‌شده به‌طور پیوسته ارزیابی شده، محل انتصاب آن‌ها بر اساس نمره نهایی تعیین می‌شود. قضات فرانسوی هر دو سال یکبار و از سوی رئیس دادگاه تجدیدنظر بخشی که در آن کار می‌کنند، ارزیابی می‌شوند (سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

در مدرسه ملی قضایی، همه دانشجویان کارمند کشوری شمرده می‌شوند و حقوق دریافت می‌کنند و دوره تحصیل به دوره‌های آموزشی نظری و کارآموزی عملی تقسیم می‌شود. بخش اول دوره آموزشی ۱۳ ماه است که کارآموزان به مطالعه و تحصیل در مدرسه ملی قضایی ورود و اشتغال دارند. کلاس‌ها حالت عملی دارند و با این اهداف پیش‌بینی شده‌اند که دانشجویان را به کاری که ممکن است به‌عنوان قاضی انجام دهند آشنا کنند و به‌گونه‌ای آموزش ببینند که بتوانند مانند قضات فکر و عمل کنند. پس از آن، یک دوره ۱۴ ماهه آغاز می‌شود که در آن دانشجویان، قضات را در امور مختلف کمک می‌کنند. ممکن است دانشجویان ساعت‌هایی را نیز در یک دارالوکاله صرف کنند تا در مورد کار افرادی که در آینده مقابل آن‌ها ظاهر می‌شوند، تجارب دست اول کسب کنند. در پایان این دوره، دانشجویان در یک آزمون شرکت می‌کنند و بر حسب قابلیت‌هایشان که ترکیبی است از نتایج آزمون گرفته‌شده و گزارش‌های راجع به کارهایی که در محل‌های مختلف اشتغال خود انجام داده‌اند، در تخصص‌های ویژه رده‌بندی می‌شوند. آنان ۶ ماه آتی آموزش خود را به‌فعالیت در ناحیه‌ای که برایشان تعیین شده می‌پردازند. این امر ممکن است عبارت باشد از کمک رساندن به یک قاضی در تالی‌ترین دادگاه، یعنی دادگاه بخش، یا کار با یک قاضی در دادگاه نوجوانان و یا با یکی از کارمندان دادسرا در دادگاه محلی. داوطلبانی که دوره‌های یادشده را با موفقیت به‌پایان برسانند معمولاً در همان ناحیه‌ای که در خلال آخرین دوره ۶ ماهه مشغول کار بوده‌اند، در اولین سمت خود به‌عنوان قاضی تمام‌عیار مشغول به کار می‌شوند. البته آنان حتی به‌عنوان قاضی تمام‌عیار نیز در مقاطع

زمانی مختلف در مدرسه ملی قضایی همچنان دوره‌های آموزشی مستمر را طی می‌کنند و بسته به پیشرفتی که در کار خود دارند از سوی وزیر دادگستری به پست‌های بالاتر منصوب می‌شوند (الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۵۲-۳۵۱). هر قاضی در زمان انتصاب به نخستین سمت خود و قبل از اشتغال این‌چنین سوگند یاد می‌کند: «من سوگند یاد می‌کنم که به‌خوبی و با رعایت امانت و وظیفه خود را انجام داده، شرعاً اسرار مشاوره‌ها را مکتوم نگاه داشته و کاملاً به‌عنوان یک قاضی شریف و امین انجام وظیفه نمایم» (ماده ۶ قانون یادشده). کارآموزان نیز در زمان اشتغال به کارآموزی سوگندی مشابه همین مضمون یاد می‌کنند (ماده ۲۰ قانون یادشده) (شمس، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۰).

ارتباطات سازمانی بسیاری بین مدرسه ملی قضایی و نظام قضایی وجود دارد؛ چنان‌که مدیران آن همواره و تاکنون از اعضای قوه قضائیه هستند. اعضای قوه قضائیه اکثریت هیئت مدیره آن را تشکیل می‌دهند. همه معلمان دائمی و آموزشیاران اعضای قوه قضائیه هستند. در دادگاه‌های پایین‌تر و نیز دادگاه تجدیدنظر، یک یا دو عضو منتخب مدرسه، مسئولیت نظارت بر آموزش، راهنمایی و ارزیابی قضات آینده در طی کارورزی را برعهده دارند (Giuseppe Di Federico, 2005, p. 52).

۱.۱. ورود به مدرسه ملی قضایی

مدرسه ملی عهده‌دار آموزش‌های اولیه و آموزش ضمن خدمت به همه اعضای قوه قضائیه است که در مجموع به‌عنوان دادرس شناخته شده‌اند. پذیرش از طریق یک امتحان رقابتی (کنکور) دشوار صورت می‌گیرد. سه نوع از این آزمون‌ها وجود دارد:

- اولین آزمون به افراد زیر ۲۷ سال و دارای مدرک دانشگاهی اختصاص دارد. شرایط پذیرش عبارت‌اند از: ملیت فرانسوی، برخورداری از حقوق اجتماعی، شخصیت اخلاقی، تناسب جسمانی، انجام تعهدات نظامی (خدمت وظیفه عمومی).
- امتحان رقابتی دوم برای کارمندان دولت آزاد است (بلامنازع)؛ یعنی کسانی که حداقل ۴ سال در مقام دولتی خدمت کرده باشند. شرایط کلی مربوط به سن و مدرک تحصیلی افراد، همان است.
- امتحان رقابتی سوم در سال ۱۹۹۶م معرفی شد و از آن پس ادامه یافت. این امتحان برای کسانی آزاد است که برای مدت ۸ سال به‌عنوان عضو حرفه‌ای دادگاه محلی انتخاب شده و فعال بوده‌اند.

افزون بر این، افراد خاصی ممکن است بدون گذراندن آزمون وارد مدرسه ملی شوند، در صورتی که علاوه بر کلیاتی که پیش‌تر بیان شد، دارای این شرایط خاص باشند: أخذ مدرک حقوق، داشتن ۴ سال تجربه در یک فعالیت حقوقی، اجتماعی و اقتصادی که

آن‌ها را برای ورود به قوه قضائیه واجد شرایط می‌کند و یا داشتن دکترای حقوق و مدرک دانشگاهی در رشته‌ای دیگر و یا انجام پژوهش‌های مرتبط با حقوق. نامزدها باید از سوی کمیسیون^۱ پذیرفته شوند؛ کمیسیونی که عهده‌دار ارتقای قضات است (Giuseppe Di Federico, 2005, p. 47-48).

این آزمون‌ها در هر سه نوع جذب به یک شکل و در چند مرحله برگزار می‌شود؛ هرچند که ممکن است در جزئیات آن اختلافاتی وجود داشته باشد. در اولین آزمون که به صورت کتبی گرفته می‌شود، پاسخ‌ها در چهار برگه نوشته می‌شود که برگه اول پیرامون موضوعات اجتماعی، قانونی، سیاسی و فرهنگی است. برگه دوم حاوی موضوعات حقوق مدنی، و برگه سوم در مورد حقوق کیفری یا حقوق عمومی و نیز حقوق اتحادیه اروپاست. مورد آخر هم بر اساس یک گزارش اداری در خصوص یک مشکل قانونی بر روی یک پرونده بنیادین است. کسانی که این مرحله از آزمون را با موفقیت پشت سر بگذرانند به آزمون شفاهی فرا خوانده می‌شوند که از سوی هیئت منصفه انجام می‌شود و موضوعات آن، حقوق تجارت یا حقوق اداری، یک سؤال از حقوق کیفری و نیز سؤالات تخصصی که بستگی به نوع سازمان قضایی است که برای آن آزمون به عمل می‌آید؛ لذا این سؤال تخصصی بسته به نوع آن در حوزه دادگاه‌های اداری، کیفری مدنی و یا امور مربوط به دادستانی است. از جمله مواد آزمون دیگر امتحان زبان خارجی و تست ورزش است. هیئت مدیره آزمون معمولاً از اعضای قوه قضائیه، استادان دانشگاه، اعضای هیئت دولت و افراد دیگر تشکیل شده است (Giuseppe Di Federico, 2005, p. 47-48).

۲.۱. روش‌های دیگر انتصاب قضات

با آنکه بیشتر داوطلبان اندکی پس از دریافت مدرک خود، داوطلب تحصیل در مدرسه ملی قضایی می‌شوند، تعدادی از دانشجویان مُسن حق دارند در یک ترتیب خلاصه و اختصاری از آزمون شرکت کنند و برخی دیگر هم اساساً از شرکت در امتحان معاف‌اند که این افراد عبارت‌اند از داوطلبان دارای مدرکی که در یک شاخه دیگر حقوق حداقل به مدت چهار سال کار عملی کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸م در تلاش برای رفع کمبود قضات، یکصد نفر از داوطلبان مُسن که تمایل داشتند به‌عنوان یک شغل جدید در کسوت قضاوت مشغول به کار شوند، برای گذراندن دوره ۶ ماهه‌ای که آنان را برای یک پُست خاص آماده می‌کرد، انتخاب شدند. نیمی از این افراد برای قضاوت در دادگاه‌های شهرستان و نیمی دیگر به‌منظور تصدی مقام قضا در دادگاه‌های تجدیدنظر پیش‌بینی شده بودند. این افراد یک ماه پس از آغاز دوره آموزش خود در

1. commission d'avancement

مدرسه ملی قضایی، یک برنامه آموزشی را در محل دادگاهی که به عنوان نخستین پُست آن‌ها تعیین شده است می‌گذرانند تا بتوانند در پایان ۶ ماه، در پُست یادشده به نحو مؤثری ایفای وظیفه کنند. به نظر می‌رسد برخلاف آنچه از یک آموزش کامل و تمام‌عیار انتظار می‌رود، این دوره برای این طراحی نشده که قضات را آماده کند تا در سایر دادگاه‌ها نیز مشغول کار شوند. ترتیبی که بیان شد راه حل کوتاه‌مدتی را ارائه می‌کند که هدفش اداره و کنترل دعاوی رو به افزایش است تا اینکه سایر اصلاحات به اجرا دربیایند با این امید که بتوانند در کاهش شمار دعاوی موفق شوند.

نکته بحث برانگیزتر این است که برخی افراد به‌فوریت و بی‌درنگ به‌عنوان قاضی پذیرفته می‌شوند، بدون اینکه نیاز باشد در مدرسه ملی قضایی آموزش ببینند. این نوع جذب قضات که مشمول فرمان اصلاحی ۲۲ دسامبر ۱۹۵۸ است، در سال‌های اخیر گسترش یافته، اما هنوز فقط در خصوص تعداد اندکی از اشخاص اجرا می‌شود و منحصر است به افرادی که در فرمان سال ۱۹۵۸م فهرست شده‌اند و از جمله وکلای مدافعی را شامل می‌شود که دست‌کم هفت سال به کار و کالت مشغول بوده‌اند. به این ترتیب، اقلیت کوچکی از قضات به لحاظ پیشینه مانند قضات انگلیسی و ولزی هستند؛ به این معنا که به‌عنوان وکیل مدافع آموزش دیده‌اند؛ یعنی افرادی که پیش از ورود به شغل قضا، کاری مشابه با کار وکلای مدافع و مشاوران حقوقی انگلیسی و ولزی را انجام می‌داده‌اند. افزون بر این، برخی اوقات قضات به‌طور موقت به‌منظور تهیه گزارش‌های کارشناسی جذب شده‌اند و یا صرفاً برای افزایش فوری تعداد قضات، آن‌هم تا وقتی افرادی که واجد شرایط لازم هستند، راه طولانی‌مدت آموزش قضاوت را طی کنند (الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۵۴-۳۵۲).

۲. قضات دادگاه‌های اداری

نظام دادرسی اداری فرانسه بر دو پایه استوار است؛ شورای دولتی و دادگاه‌های اداری. رسیدگی به شکایات علیه دولت در مرحله بدوی در صلاحیت دادگاه اداری شهرستان است. شورای دولتی به‌طور استثنایی به برخی دعاوی و شکایات در مرحله بدوی و برخی دیگر در مرحله تجدیدنظر رسیدگی می‌کند. دادگاه‌های اداری به شکل هرمی در درجه نخست دادگاه‌های اداری بدوی و در درجه دوم دادگاه‌های تجدیدنظر اداری هستند و در رأس آن‌ها شورای دولتی قرار دارد که مانند دیوان عالی کشور بین دادگاه‌های تابعه خود به ایجاد وحدت رویه قضایی می‌پردازد. دادرسان دادگاه‌های اداری شهرستان‌ها که به‌طور سنتی مستشار نامیده می‌شوند از میان دانش‌آموختگان مدرسه ملی اداری (مدیریت) پاریس و از راه مسابقه انتخاب می‌شوند. در دادگاه‌های اداری، دادرسان به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. در این محاکم، قضات

کارمندان کشوری شمرده می‌شوند که از سوی وزارت کشور استخدام شده‌اند، نه وزارت دادگستری. آن‌ها به اقدام بی‌طرفانه و مستقل شهرت دارند، هرچند مستقیماً تحت حمایت قانون اساسی ۱۹۵۸م نیستند. در تصمیم سرنوشت‌ساز مورخ ژوئیۀ ۱۹۸۰، شورای قانون اساسی اعلام کرد که استقلال قضات اداری از اصول بنیادین حقوق جمهوری فرانسه است. به‌علاوه این قضات مشمول مقررات دیگری هستند که شغل و سمت آن‌ها را تنظیم می‌کند و به لحاظ دادگاه و وضعیت قضایی با سایر محاکم تفاوت دارد (الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵).

قضات اداری از میان رده‌های خدمت کشوری نیز جذب شده‌اند. در سطح خُرد، داوطلبان باید یک آزمون ورودی رقابتی مستقل را برای ورود به مدرسه ملی قضایی پشت سر بگذارند و در سطوحی که بالاترند می‌توانند حتی به‌عنوان قاضی معین یا قاضی تمام‌عیار در شورای دولتی مشغول به کار شوند. از آنجا که قضات اداری در رابطه‌ای نزدیک با سایر کارمندان کشوری کار می‌کنند، بخش نسبتاً بزرگی از قضات، کار خود را بدو در دیگر شاخه‌های خدمت کشوری انجام داده، سپس تجربه‌ای را که کسب کرده‌اند در خدمت شورای دولتی به‌کار گرفته‌اند. راهی دیگر برای کسب شرایط قضاوت اداری عبارت است از شرکت در آزمونی که بر روی دارندگان مدرک لیسانس حقوق باز است. از آنجا که جنبه رقابتی این آزمون بسیار شدید است، احتمالاً داوطلبانی پذیرفته می‌شوند که افزون بر دارا بودن مدرک فوق لیسانس در حقوق، برخی قابلیت‌های دیگر راه هم داشته باشند. پس از آن، داوطلبان پذیرفته‌شده یک دوره ۶ ماهه کارآموزی را در شورای دولتی می‌گذرانند و به این ترتیب می‌توانند امیدوار باشند که به‌عنوان قاضی اداری در خارج از پاریس انجام وظیفه می‌کنند (الیوت و ورنون، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶).

در فرانسه قضات دادگاه‌های عمومی از طریق مدرسه ملی قضایی جذب می‌شوند و در آنجا آموزش می‌بینند و کارآموزی می‌کنند؛ درحالی که قضات دادگاه‌های اداری اغلب و عمدتاً از میان دانش‌آموختگان مدرسه ملی اداری جذب می‌شوند (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۷).

چگونگی پذیرش و فرایند جذب قضات اداری در کتاب دوم، فصل سوم، بخش سوم مجموعه قوانین عدالت اداری (code de juastic administrative) فرانسه آمده است. ماده ۲-۲۳۳ L بیان می‌کند: «اعضای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر اداری از میان دانش‌آموختگان مدرسه عالی اداری با رعایت مواد L3-233, L4-233, L5-233, L6-233 انتخاب می‌شوند (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۷).

برای جذب و اشتغال در دادگاه‌ها، نسبت قابل توجهی از قضات، چه از مدرسه عالی اداری آمده باشند یا از روش‌های دیگر جذب شده باشند، دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر در حقوق عمومی هستند. آزمون‌های ورودی مدرسه عالی اداری شامل امتحانی در مواد حقوق عمومی است. آموزش‌های مدرسه عالی اداری، اگرچه چندوجهی و در موضوعات مختلف است،

اما همیشه حقوق عمومی در میان این آموزش‌ها، جایگاه اساسی و بسیار مهمی داشته است. از میان قضاتی که جذب و استخدام در دادگاه‌های اداری، تجربه حرفه‌ای در این حوزه داشته‌اند، تعداد قابل توجهی از ایشان در دعاوی و پرونده‌های اداری و مالی صاحب نظر و باتجربه هستند؛ چه در مقام کسانی که از این پرونده‌ها گزارش تهیه می‌کرده‌اند و چه به‌عنوان کسانی که در دفاع از موضع اداره، لوایح دفاعی برای این پرونده‌های می‌نوشته‌اند (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۸).

۱.۲. روش‌های جذب قضات دادگاه‌های اداری و گستره داوطلبان

قضات دادگاه‌های اداری در فرانسه به چهار روش جذب می‌شوند:

الف) روش جذب قضات اداری از طریق به‌کارگیری دانش‌آموختگان مدرسه عالی اداری L'ENA. این روش اصلی بهترین راه جذب و استخدام قضات دادگاه‌های اداری است. هر سال ۱۲۰ نفر از دانش‌آموختگان این مدرسه عالی، بنابر رتبه و نمره‌ای که به‌دست می‌آورند، همکاری با دادگاه‌های اداری را انتخاب می‌کنند. برای ورود به مدرسه عالی سه راه وجود دارد:

- شرکت در آزمون سراسری که دانشجویان و دانش‌آموزان در آن شرکت می‌کنند.
- آزمون داخلی برای کارمندان
- کسانی غیر از دو گروه پیش‌گفته که نه دانشجو هستند و نه کارمند دولت و می‌توانند وارد مدرسه عالی اداری شوند.

ب) روش گزینش قضات از طریق جذب کارمندان دولت، اعم از نظامی و غیرنظامی. همچنین کارمندان شوراهای محلی که برخی شرایط مانند رتبه، تجربه، سابقه و مدرک تحصیلی را داشته باشند از طرف شورای عالی دادگاه‌های اداری و دادگاه‌های تجدیدنظر اداری، اختیار و ارزیابی خواهند شد. رئیس شورای دولتی فرانسه در رأس این شورا قرار دارد.

ج) روش مأمور به خدمت شدن کارمندان دولت. همچنین بخش دیگری از قضات دادگاه‌های اداری از راه مأمور به خدمت شدن با انتقال کارمندان از دادگستری، محاکم عمومی، دانشگاه‌ها، استادان دانشگاه، کارمندان اداری اداره پست و مخابرات، کارمندان بیمارستان‌ها که در گروه شغلی برابر با کارکنان دادگاه‌های اداری هستند، می‌توانند به‌عنوان اعضای دادگاه‌های اداری منصوب شوند. این افراد باید این شرایط را داشته باشند: شناخت حقوق اداری، دقت، توانایی انجام کار و نظم، تفکر و اندیشه‌باز، توانایی انجام کار جمعی، قدرت تجزیه و تحلیل، علاقه‌مندی به پژوهش و تفکر و تأمل.

د) روش جذب تکمیلی. این روش از طریق برگزاری آزمون سراسری (کتبی و شفاهی) انجام می‌شود که دارندگان مدارک کارشناسی مرتبط می‌توانند در آن شرکت کنند و دست‌کم باید ۲۵ سال سن داشته باشند. در این آزمون کارمندان دولت که در گروه «الف» هستند نیز می‌توانند

شرکت کنند. سطح آزمون در حد امتحانات مدرسه عالی L'ENA است. در سال ۲۰۱۲م چهل نفر از این طریق جذب شدند. این افراد از میان ۲۲۲ نفری انتخاب شدند که به مرحله دوم راه یافتند. در پایان سال ۲۰۰۱م دادگاه‌های اداری ۸۶۷ عضو داشت که ۷۰۵ نفر از این افراد در مشاغل قضایی خدمت می‌کردند. در همان سال ۶۴ نفر در دادگاه‌های اداری جذب شدند. از این تعداد ۱۱ نفر از مدرسه عالی اداری، ۱۰ نفر به روش دوم، ۲۰ نفر از طریق مأمور به خدمت شدن (۱۸ نفر غیرنظامی و دو نفر نظامی)، و ۲۳ نفر از طریق جذب تکمیلی برگزیده شدند، در سال ۲۰۱۲م، ۱۲۶۹ قاضی در دادگاه‌های اداری مشغول به فعالیت بودند (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰-۸).

۲.۲. شرایط ورود به شورای دولتی فرانسه

به موجب ماده ۵۲ قانون اساسی مصوب ۱۲ دسامبر ۱۷۹۹ فرانسه، شورای دولتی وظیفه طرح لوایح قانونی و تنظیم اداره عمومی و حل و فصل مشکلات ناشی از موضوعات اداری را به عهده خواهد داشت. مجموعه وظایف این شورا نقشی دوگانه برای این مرجع به عنوان مشاور دولت و عالی‌ترین مرجع قضایی اداری ایجاد کرده است (آشتیانی، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

شورا دارای اعضای متعدد و تقریباً متشکل از ۳۰۰ عضو است. این افراد از میان فارغ‌التحصیلان برجسته مدرسه عالی علوم اداری از طریق آزمون رقابتی و نیز به شکل انتصاب خاص از طرف دولت برگزیده می‌شوند (دانشپور بخشایشی، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

عضویت در شورای دولتی به سه درجه تقسیم می‌شود: مستشاران (بالترین درجه)، ممیزین (درجه متوسط) و کارورز (درجه پایین)، که کارورزان هم به درجه اول و درجه دوم تقسیم شده‌اند. به علاوه پست‌های خاص با مسئولیت‌های ویژه وجود دارد؛ مانند مباشر دولت، رئیس شعبه، رئیس (و معاون رئیس) بخش و معاون رئیس شورای دولتی. رئیس شورای دولتی نخست‌وزیر است که در موارد خاصی از او برای ریاست شورا دعوت می‌شود (رضائی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

استخدام شورای دولتی با یک نهاد بزرگ دیگر، یعنی دیوان محاسبات، به صورت مشترک و به دو روش کنکور و نوبت خارجی انجام می‌شود. استخدام کارورزان شورای دولتی فقط به وسیله کنکور صورت می‌گیرد و از سال ۱۹۴۵م استخدام‌ها متحول شده است. دستورالعمل ۹ اکتبر ۱۹۴۵ تمام مسابقات خاص مربوط به استخدام برای نهادهای اصلی دولت و استخدام برای وزارتخانه‌ها را حذف کرده است. پس از انتخاب نامزدهای استخدامی برای نهادهای اصلی اداری مرکزی، باید این افراد در یک مسابقه واحد که کنکور ورود به مدرسه ملی اداری (L'ENA) است - که به وسیله دستورالعمل ۹ اکتبر ۱۹۴۵ تأسیس شده - شرکت می‌کنند و بر حسب درجه و نمره‌ای که به دست می‌آورند، وضعیت شغلی‌شان تعیین می‌شود (رضائی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۶۹). شورای دولتی همراه با دیوان محاسبات و تحقیقات مالی کسانی را که نمرات برتر گرفته‌اند

جذب می کنند. ضمناً باید یادآور شد که تنها دانشجویان در این مسابقه شرکت نمی کنند، بلکه تعدادی از کسانی که پیش تر مستخدم دولت بوده اند نیز در این مسابقه شرکت می نمایند و این افراد دارای تجربیات بسیار خوبی هستند (رضائی زاده، ۱۳۸۴، ص ۷۰).

نتیجه

۱. در نظام حقوقی امریکا با توجه به فدرالی بودن شکل حکومت، با دو سطح نظام حقوقی روبرو هستیم. در نظام فدرالی، به دلیل اینکه سازمان قضایی ایالات از حیث زمانی سابق بر سازمان قضایی حکومت فدرال است، ساختار حکومت فدرال در موارد متعددی از ایالات تأثیر پذیرفته است. به موجب قانون اساسی فدرال هر یک از ایالتها قانون خاصی دارد و تشکیل قوای عمومی و شروط و شیوه های انتخاب، موافق با فلسفه و فرهنگ سیاسی پذیرفته شده قوای یادشده مشخص می شود؛ لذا سازمان قضایی یک ایالت با ایالت دیگر متفاوت است. در حالی که در فرانسه با توجه به ساختار حقوق اساسی این کشور، قوه قضائیه از طریق حکومت مرکزی و وزارت دادگستری اداره می شود.

۲. برابر قانون اساسی امریکا، در سطح فدرال، قضات دیوان عالی، قضات دادگاه استیناف و قضات دادگاه ناحیه ای از سوی رئیس جمهور، منصوب و مجلس سنای ایالات متحده انتصاب آن ها را تأیید می کند. معرفی اسامی نامزدهای بالقوه اغلب از جانب سناتورها و گاهی از طرف اعضای مجلس هم حزبی رئیس جمهور صورت می گیرد. معمولاً تأیید گزارش این نامزدها به عهده کمیته قضایی سنا است. سه عامل مهم در تعیین قضات عبارتند از: نظرسنجی از سناتورها تا در مرحله تأیید انتخاب قضات با مشکل مواجه نشود. نظریه کمیته دوازده نفره کانون وکلای امریکا و دیدگاه سایر قضاتی که در همان سطح و مرتبه به کار قضایی اشتغال دارند. از جمله معیارها و صلاحیت های مدنظر، می توان به سابقه اشتغال فعال حقوقی، مشخصه های فردی و مهارت های حقوقی و سابقه حرفه ای اشاره کرد.

۳. در سطح ایالاتی امریکا راه های گوناگونی برای انتخاب قضات وجود دارد. اساساً پنج طریق برای رسیدن به مقام قضاوت پیش بینی شده است که می توان گفت هیچ دو ایالتی دقیقاً از یک روش انتخاب استفاده نمی کنند. نحوه تصدی مقام قضا از سوی وکلا به دو طریق گزینش رسمی و غیررسمی صورت می گیرد. ایالتها برای سطوح مختلف قوه قضائیه از روش های مختلف گزینش استفاده می کنند. انتصاب قضات از سوی فرمانداران و نیز گزینش بر پایه صلاحیت، رویکردهای مسلط در اشتغال مناصب خالی قضاوت است.

۴. در مجموع می توان گفت با وجود همه انتقاداتی که به هر دو روش انتخاب و انتصاب قضات وارد شده و با توجه به خصوصیت بومی بودن حقوق اساسی و این موضوع که نظام

حقوقی هر کشور از باورهای مشترک مردم و حاکمان شکل گرفته است، اجرای هر دو روش انتخاب و انتصاب در نظام قضایی امریکا نهادینه شده است و در هر دو روش عمده انتخاب و انتصاب قضات با وجود طرح دیدگاه‌های سیاسی، قضات با توجه به فرایند انتخاب و انتصاب و شرایط آن توانسته‌اند بدون لحاظ مسائل حزبی و جناحی به حل و فصل اختلافات بپردازند و همین عامل نیز باعث شده است نظام حقوق اساسی امریکا به نظام حکومت قضات معروف شود و قضات از قدرت و اختیارات بی‌بدیلی برخوردار باشند. تأثیر سنت‌های حقوقی کامن‌لا در فرایندهای انتخاب و انتصاب قضات در ایالات متحده مشهود است، به‌نحوی که علاوه بر معلومات حقوقی، داشتن تجربه و بینش در عرصه‌های مختلف را لازمه تصدی قضا دانسته‌اند. همچنین داشتن روحیه و شخصیت متناسب با شغل نیز ضروری است. قضات دادگاه‌های بالاتر اغلب از میان افرادی انتخاب می‌شوند که در سطح حرفه‌ای تجربه کار در مؤسسه خصوصی یا دادستانی را داشته‌اند. در انتخاب قاضی از میان اعضای کانون وکلا، برای روشن بودن سابقه منتصبان، مقامات باید به نظریات رؤسای کانون توجه کنند. نمایندگان کانون وکلا و نمایندگان سایر نهادهای جامعه مدنی نیز می‌بایست در فرایند تصمیم‌گیری قضایی شرکت داده شوند.

۵. در نظام حقوقی فرانسه به‌عنوان نماد سنت حقوقی رومی ژرمنی، با وجود تنوعی که در شیوه‌های به‌کارگیری و جذب قضات وجود دارد عمدتاً قضات دادگاه‌های عمومی از طریق مدرسه ملی قضایی جذب می‌شوند و در آنجا آموزش می‌بینند و کارآموزی می‌کنند؛ درحالی که قضات دادگاه‌های اداری اغلب و عمدتاً از میان دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و بالاتر حقوق عمومی مدرسه ملی اداری جذب می‌شوند.

۶. مدرسه ملی قضایی که ارتباط سازمانی با وزارت دادگستری و نظام قضایی فرانسه دارد، عهده‌دار آموزش‌های اولیه و آموزش ضمن خدمت به همه اعضای قوه قضائیه است که در مجموع به‌عنوان دادرس شناخته شده‌اند. پذیرش از طریق یک امتحان رقابتی سخت از میان دارندگان مدرک دانشگاهی صورت می‌گیرد. دوره‌های کارآموزی طولانی‌مدت مدرسه ملی قضایی که آمیزه‌ای از مباحث نظری و عملی است از سوی آموزشیارانی صورت می‌گیرد که همه مستخدم دستگاه قضایی هستند.

۷. از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام قضایی فرانسه می‌بایست به جذب مستقل قضات دادگاه‌های اداری اشاره کرد که مجزا از جذب قضات دادگاه‌های عمومی صورت می‌گیرد. قضات دادگاه‌های اداری درعمل از میان دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد حقوق عمومی و بالاتر مدرسه ملی اداری برگزیده می‌شوند که دوره کارآموزی عملی خود را در شورای دولتی فرانسه طی کنند. اعضای شورای دولتی نیز از طریق آزمونی که برگزیدگان آن با دیوان محاسبات تقسیم می‌شوند انتخاب می‌شوند که فرایند آزمون و پذیرش این افراد به‌وسیله مدرسه ملی اداری انجام می‌شود

که گواه اهمیت بسزای جذب تخصصی قضات دادگاه‌های اداری و شورای دولتی از میان دانش‌آموختگان حقوق عمومی در فرانسه است.

۸. با توجه به تفاوت‌های ماهوی که سنت حقوقی حاکم بر هر دو کشور مورد مطالعه دارد، نقطه برجسته در جذب قضات ایالتی امریکا را شیوه جدید انتخاب شایستگان باید دانست که به شکل فراگیری در سطح ایالات در حال گسترش است و در طرف مقابل، تفکیک نظام جذب قضات در نظام حقوقی فرانسه را می‌بایست از نکات دارای اهمیت دانست که فارغ‌التحصیلان دانشگاه در رشته حقوق عمومی با پذیرفته شدن در مدرسه ملی اداری، و سایر قضات از طریق مدرسه ملی قضایی به تصدی منصب قضا می‌پردازند.

منابع و مآخذ

۱. فارسی

۱. ابوالفتح، علی و نادری، مهین (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک ایالات متحده امریکا، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.
۲. اف استون، فردیناند (۱۳۵۰)، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده امریکا، مترجم: سید حسین صفایی، چ ۱، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی.
۳. آشتیانی، محمدحسن (آبان ۱۳۸۳)، «بررسی تاریخی شورای دولتی فرانسه»، مجله قضات، سال سوم، ش ۲۷.
۴. تنک، آندره (۱۳۵۸)، حقوق ایالات متحده امریکا، مترجم: سید حسین صفایی، تهران: انتشارات مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.
۵. الیوت، کاترین و ورنون، کاترین (۱۳۸۲)، نظام حقوقی فرانسه، چ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. توکویل، آلکسی دو (۱۳۷۴)، دموکراسی در امریکا، مترجم: رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: انتشارات زوار با همکاری فرانکلین.
۷. دانشپور بخشایشی، عیسی (پاییز ۱۳۸۶)، «بررسی شورای دولتی فرانسه و صلاحیت‌های آن»، فصلنامه علامه، ش ۱۵.
۸. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۸۸)، استقلال قاضی و قوه قضائیه در حقوق ایران، امریکا و فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. رضائی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۴)، محاکم اداری در فرانسه و صلاحیت آن‌ها در رسیدگی به دعاوی اداری، چ ۱، تهران: مدیریت.
۱۰. سازمان شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۵)، فساد در نظام‌های قضایی گزارش سازمان شفافیت

- بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، مترجم: لیلی منفرد، چ ۱، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۱. سلطانی، سید ناصر (۱۳۹۲)، مبانی قانونی و روش‌های جذب و آموزش قضات محاکم اداری در فرانسه، چ ۱، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
۱۲. سواری دهقی، راحله (۱۳۹۴)، ساختارگرایی در آیین دادرسی کیفری (مورد پژوهشی: فقه شیعه و اندیشه اروپایی)، چ ۱، تهران: جنگل.
۱۳. شاه حیدری، علی و همتی، مجتبی (۱۳۸۹)، شرح اصول رفتار قضایی (اصول بنگلور)، چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۴. شمس، عبدالله (۱۳۹۱)، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج ۱، چ ۲۸.
۱۵. کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت (۱۳۹۵)، ارزیابی نظام‌های قضایی اروپا در سال ۲۰۱۲، ویراستار: احمد مرکز مالگیری، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.
۱۶. متین دفتری، احمد (۱۳۴۹)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه
۱۷. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۹)، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۶، چ ۱، تهران: سروش.
۱۸. نیویور دیوید دلبیو (۱۳۸۹)، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در امریکا، مترجم: حمید قراگزلو، چ ۱، تهران: مجد.
۲۰. هافمن، دنیس (۱۳۸۲)، قضاوت امریکایی، مترجم: عمادالدین و محمدحسین باقی، چ ۱، تهران: نشر سربابی.

۲. خارجی

21. Abrams, K. (1999) "some realism about electoralism: rethinking judicial campaign finance", 72 Sothern California Law Review
22. ADMINISTRATIVE OFFICE OF THE UNITED STATES COURTS (2010) ,TheSelection, Appointment, And Reappointment Of United States Magistrate Judges, Judges Information Series No. 2 MAGISTRATE JUDGES DIVISION OFFICE OF JUDGES PROGRAMS ADMINISTRATIVE OFFICE OF THE UNITED STATES COURTS, March 2010
23. American Bar Association (2009), Standing Committee on theFederal Judiciary, ISBN: 1-60442-461-3
24. Blume, J. Eisenbegrg, T (1999), "Judicial politics, death penalty, and case selection: An empirical study", 72 Southern California Law Review
25. Bradly, A (2002), "Symposium on judicial election: selecting judges in th 21

- century", 30 Cap.u.l.Rev , Burbank, S. "Politics, privileg and power: the separate role in appointment of federal judge", 86 judicature
26. Cross, F. (2003), "Thoughts on goldilocks and judicial independence". OHIO State Law journal, vol.64
 27. Dubais, P.(1986), "Accountability, independence and the selection of state judge: the role of popular election", 40.sw.l.j
 28. Freund, P. (1998), " Federal appointment, tenure, and independence", Harvard Law Review,vol.101 .:1146-1163
 29. Geyth, G (2008), " Methods of judicial selection and their impact on judicial independence", Yale Law Journal. Vol.94
 30. Ginsburg _ T (2009), "Judicial appointment and judicial independence"_ papersseries for U.S institute for peace .paper available at <http://ssrn.com>_
 31. Guidance for promoting judicial independence and impartiality (2007), papers fUSAID(NGO)availableat:www.usaid.gov/our_work/democracy_and.../pnacm2007.pd.
 32. Kotey, P.(, (2005), " Public financing for non_partisan election judicial campaigns: protecting judicial independence while ensuring judicial impartialy, Florida university college of law", Akron Law Review. Vol.73
 33. McMillion, Barry J (2012), Nominations to U.S. Circuit and District Courts by President Obama During the 111th, and 112th Congresses, Analyst on the Federal Judiciary, Congressional Research Service, June 1, 2012
 34. O'Connell, Fiona & McCaffrey, Ray (2012), Judicial Appointments in Germany and the United States, information for the Committee for Justice on judicial appointments in Germany and the United States, March 2012
 35. Philips, T (2003), "Keynote address: electoral accountability and judicial independence", OHIO State Law Journal, vol.64
 36. Rehnquist, W (1996), "Remarks of the chief justice, Washington college of law, continental celebration plenary academic panel": the future of the federal courts. (speech)
 37. Rehnquist, W (2005), "Structrural foundation of judicial independence",California Law Review, Vol.72
 38. Rutkus, Denis Steven (2013), Supreme Court Appointment Process: Roles of the President, Judiciary Committee, and Senate, Specialist on the Federal Judiciary, Congressional Research Service, February 19 2013
 39. Slotnick, E. "Federal judicial recruitment and selection research:A review Essey". Judicature 71, (1988).
 40. Taylor, Clifford W. (2009), Merit Selection: Choosing Judges Based on their Politics under the Veil of
 41. Tracy, G (2003), "Judicial independence and the ambiguity of aricle III

- protection", OHIO State Law Journal, vol.64
42. United States Institute of Peace (2009), Judicial Appointments and Judicial Independence, January 2009
 43. University of Denver (2008), American Judicature Society (judicial selection in the states), Institute for the Advancement of the American Legal System
 44. Voermans, W. Albers, p (2003), Councils for the judiciary in EU Countries, available at: www.coe.int/t/dghl/.../CouncilOfJusticeEurope_en.pdf
 45. Webster, P (1995), "Selection and retention of judge: is there one best method?", 23 FLA. ST. U.L.REV
 46. Wheeler, R (2005), "Judicial independence in united states: current issues and relevant background", Colombia Law Review, vol.34 .no.5
 47. Wyne, A. (2004), "Judicial diversity: where independence and accountability meet", Albany Law Review, vol.67
 48. E. Aguilera (2012), The French legal system Edited by Ministry of Justice
 49. Giuseppe Di Federico (2005), RECRUITMENT, PROFESSIONAL EVALUATION AND CAREER OF JUDGES AND PROSECUTORS IN EUROPE, Research Center for Judicial Studies (CeSROG), University of Bologna, Italy
 50. Garner, James W (2016), The French Judiciary, The Yale Law Journal, Vol. 26, No. 5